

رونق تولید و چالش‌های پیش روی آن

اجرا باشد.

یکی از جنبه‌های رونق تولید خروج از وابستگی دولت و اقتصاد به نفت و درآمدهای نفتی است، پس در شرایطی که با بحران‌های اقتصادی مواجهیم، راه نجات کشور در تولید داخلی است و هرچه تولید رونق بگیرد، کالا و خدمات ایرانی هم رونق می‌یابد و به تبع آن، اشتغال، بنگاه‌های تولیدی، نیروی کار و سرمایه‌های انسانی نیز تقویت و حفظ می‌شوند.

حال بیایید به این فکر کنیم که «رونق تولید» در اقتصاد ایران منافع چه کسانی را تهدید می‌کند؟ بیشتر مردم، فساد دلان و رانت خواران را دشمن تولید داخلی می‌دانند و تصور می‌کنند تا زمان ریشه‌کن شدن این موانع، صنعت ایرانی روی رونق به خود نخواهد دید.

برای درک دقیق‌تر می‌توان گفت

کاسبان رانت و تورم این

دو ماشین عظیم توزیع رانت و خلق تورم را به نوعی کنترل می‌کنند، که امکان خلق ثروت جز از این مسیر غیرممکن شود و همگان را برای کسب درآمد مجبور به پیمودن این مسیر کند.

جالب‌تر آن‌که سوخت اصلی این دو ماشین با شعارهای حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و کنترل قیمت‌ها فراهم و کمتر کسی

متعرض این تناقض در شعار و

عمل می‌شود که مگر رانت باعث خلق ارزش افزوده می‌شود، که به تولید منجر شود؟ مگر رانت باعث کاهش قیمت‌ها می‌شود؟ مگر می‌شود تورم خلق کرد و گرانی ناشی از آن را بتوان کنترل کرد؟

و در آخر با بررسی دقیق‌تر متوجه خواهیم شد که اگر هر فردی به سهم خود در جهت «رونق تولید» گام بردارد مشکلات حل شدنی‌ست. در ابتدا مسئولان با پیروی واقعی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و این‌که در داخل کشور به جستجوی راه حل باشند و با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و به‌کارگیری نخبگان جوان از مشکلات پلی برای آینده‌ای روشن بسازند.

پس از آن سهم تولیدکنندگان این خواهد بود که همت خود را برای تولید باکیفیت،

کاظم آفتاب
کارشناسی هوش‌بری



مشکلات اقتصادی یکی از مسائلی است که هنوز مسئله اول کشور است و این مشکلات به همه اقشار جامعه فشار وارد می‌کند، شاید این یکی از دلایلی باشد که رهبر انقلاب اسلامی، امسال را سال «رونق تولید» نام گذاری کرده‌اند. سؤالاتی در این جا ذهن را به خود مشغول می‌کند:

۱- مخاطب اصلی این نام چیست؟

۲- چرا با وجود تأکید رهبری بر مسأله اقتصاد مقاومتی هنوز ما شاهد مشکلات اقتصادی هستیم؟

۳- آیا اقتصاد مقاومتی طرحی شکست‌خورده است و یا این‌که کم‌کاری و ناکارآمدی از جانب دستگاه‌های اجرایی

کشور به‌عنوان مجری این گونه طرح‌ها

و برنامه‌هاست؟

۴- آیا این قول که همه

مشکلات اقتصادی کشور ناشی از تحریم‌هاست، درست است و یا این‌که فرد مسئول تنها با گفتن این مطلب قصد دارد انگشت اتهام را به سمت تحریم‌ها برد؟

۵- آیا راه مقابله با تحریم‌ها تنها

مذاکره است و یا این‌که به رونق تولید داخلی و اقتصاد مقاومتی هم می‌توان به‌عنوان یک راه‌کار نگاه کرد؟

این تنها بخشی از سؤالاتی‌ست

که ذهن یک ایرانی را می‌تواند

به خود مشغول کند و پاسخ درگرو

تحلیل درست و بینش صحیح به دور از تعصب و جمود فکری ست.

بیایید یک نگاهی به نام‌هایی که توسط رهبری

در این چندسال اخیر انتخاب شده‌است بی‌اندازیم:

۱۳۹۵: اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل

۱۳۹۶: اقتصاد مقاومتی، تولید - اشتغال

۱۳۹۷: حمایت از کالای ایرانی

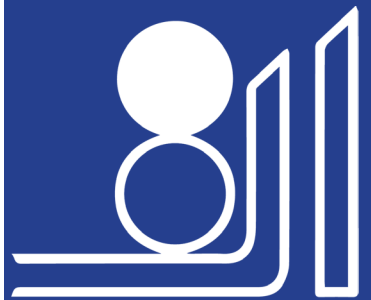
۱۳۹۸: رونق تولید

تولید داخلی اساس و پایه اقتصاد مقاومتی است، لذا اگر تولید ملی در کشور رونق بگیرد و وابستگی به کالاهای مصرفی و کالاهای راهبردی کاهش پیدا کند میزان اثرگذاری سلاح پولی نیز به شدت کاهش پیدا می‌کند.

با توجه به ظرفیت داخلی مثل بالابودن نیروی انسانی کار، تولید داخلی که یکی از چارچوب‌های سیاست کلی اقتصاد مقاومتی است می‌تواند قابل

انجمن اسلامی
دانشجویان
دانشگاه علوم
پزشکی ایران

(دفتر تحکیم وحدت)



نشریه رسمی انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی ایران

شماره هفتم | اردیبهشت ۱۳۹۸

شماره مجوز: ۹۷/۵/۱۴۰/۳۱۴

مدیر مسئول و سردبیر: آرزو جباری

هیئت تحریریه:

آرزو جباری، کاظم آفتاب



@Anjomaniums



چو غنچه گرچه فروبستگی است
کار جهان تو همچو باد بهاری گره
گشا می باش...
در این بهار که خروش زندگی گوش
جان را شنوا کرده است، کاش این
سخن حضرت حافظ، چون عطر
شکوفه ها در مشام جانان بیچد
و سرشارمان کند... از بهار بیاموزیم
رسم زنده شدن و زنده کردن را، از
چشمه بیاموزیم لطافت و صفا را، در
و دیوار و سنگ و درخت همه، به
اذن «هو» کلاس درس است بیاموزیم و
بیاموزانیم رسم گره گشایی را...
نبی مکرم اسلام می فرمایند: «دوست
داشتنی ترین انسان پیش خدا کسی
است که به مردم نفع برساند یا
خانواده‌ای را خوشحال کند یا با برادر
مسلمانش به خاطر برآوردن حاجتش
راه بروداین عمل از اعتکاف دو ماه
در مسجدالحرام بهتر است.»

دیگران توانستند؛ ما نمی توانیم؟! رونق تولید



و گران ژاپنی را بخرد که او هم تحت تأثیر
قرار گرفته بود و قیچی ژاپنی را خریده بود!
بعدها سؤال جدی تری ذهن مرا به
خود مشغول کرد، که اساساً به فروشنده چه
ربطی داشته که خریدار، جنس ژاپنی ببرد
یا آلمانی؟ او که در مغازه اش هر دو جنس را
برای فروش گذاشته است و علی القاعده باید
به دنبال سود خودش باشد؟ با منطق انسان
معقول اقتصادی چطور می توان این رفتار را
توجیه کرد؟

بعدها در درس مدیریت با مفهوم کیفیت
فراگیر که اتفاقاً از جنس مدیریت ژاپنی بود
آشنا شدم. بر اساس منطق مدیریت کیفیت
فراگیر، ژاپنی ها این گونه آموزش می بینند
که همه کارکنان سازمان، مسئول کیفیت کالا
هستند. این نکته به ظاهر ساده، به مرور
زمان موجب برتری شرکت های ژاپنی در
رقابت با شرکت های اروپایی و آمریکایی شد؛
یعنی همه برای افزایش کیفیت تولیداتمان
تلاش کنیم. یعنی تولیدکننده مواد اولیه مان

آرزو جباری دانشجو پزشکی



شاید قبول کردنش سخت باشد ولی
سالها قبل، ژاپنی ها معروف بودند به
ساخت جنس بنجل! هر کس می خواست
مثال بزند که فلان جنس از کیفیت لازم
برخوردار نیست، می گفت جنسش ژاپنیه!
بله! شاید باورش برای ما سخت باشد
که ژاپن و جنس باکیفیت امروز ژاپنی،
روزگاری این چنین انگی را با خود می کشیده
است!

خاطر من هست بزرگ تری تعریف می کرد،
از این که آن سالها به ژاپن رفته بود
و برای خرید قیچی به یک مغازه ژاپنی
مراجعه کرده بود. مغازه دار دو نوع قیچی،
یکی آلمانی باکیفیت و باقیمت مناسب و
دیگری قیچی ژاپنی کم کیفیت و گران را
برایش آورده بود. آن بزرگ تر با آب و تاب
تعریف می کرد فروشنده آن قدر غیرمندانده و
عزتمندانده تأکید داشت که جنس کم کیفیت



بوده‌ایم نیز، ظاهراً دردی را دوا نمی‌کند. جز اینکه شاید از دل آن بتوان دکترین‌ها، نظریه‌ها و خط‌مشی‌هایی را استخراج کرد؛ مثل این‌که نباید خود را مطلقاً پیروز یا مطلقاً شکست‌خورده ببینیم (واقع‌بینی). یا این‌که ترس از ورود به عرصه‌های جدید را از خود دور کنیم که شاید در همین عرصه‌های نو، توفیقاتی داشته باشیم (مثبت‌اندیشی). و این‌که تلاش کنیم قواعد حاکم برای موفقیت‌ها را کشف کرده و به کار ببندیم و از موانع موفقیت با دیدگانی باز عبور کنیم، یعنی این‌که شب و روزمان را به هم بدوزیم و چشمانمان را به افق‌های بلند.

دیگران توانستند، ما هم توانستیم.

اگرچه تاکنون درباره شکست‌ها و پیروزی‌های ملی، عناصر و ابعاد و مؤلفه‌های فراوانی ذکر شده است اما از تجربه خودی و حتی بیگانگان، طی سال‌های گذشته چنین برمی‌آید که اولاً موفقیت در دسترس و دست‌یافتنی است و ناامیدی بی‌معناست و ثانیاً برای موفقیت ملی همه می‌توانند و باید نقش ایفا کنند و متوقف ماندن به امید آغاز حرکت از طرف دیگران، برآیندی جز توقف همگان به دنبال ندارد.

تاریخ معاصر کشورهایی مثل آلمان بعد از جنگ جهانی اول و دوم‌اش، آمریکای پس از انقلاب صنعتی و جنگ‌های داخلی‌اش، چین و ژاپن پس از جنگ جهانی، کره جنوبی و ... نشان‌دهنده آن است که با برنامه‌ریزی و اراده ملی می‌توان از سخت‌ترین شرایط به سمت بهترین شرایط حرکت کرد. به شرط آنکه هر کس در هر کجایی که هست برای پیشرفت جامعه‌اش فکر کند و همان کاری را که می‌تواند انجام دهد به‌صورت هم‌افزا با دیگران آغاز کند و بدان استمرار دهد. به نظر می‌رسد ایران مطلوب، بسیار دست‌یافتنی است همان‌گونه که طی چهار دهه قبل نیز با الگوی مدیریت جهادی و کار پرتلاش در برابر دشمنی‌ها، توفیقات بی‌نظیری به‌دست آمده است. در هر صورت روزگاری ما حتی از تأمین پزشک عمومی عاجز بودیم، پنیرومان را از دامارک وارد می‌کردیم، تجهیزات جنگی‌مان در حد ساخت ساده‌ترین اسلحه انفرادی بود و در ایام عزاداری از سر بی‌برنامگی برای سرگرمی کودکانمان از تلویزیون قسمت‌های غمگین هاج زنبور عسل و میتی کومان را پخش می‌کردیم! [ادامه دارد]

شعار ما می‌توانیم شده است. همین موضع یعنی مدیریت جهادی؛ یعنی کار پرتلاش و بی‌وقفه که در برابر دشمنی‌های بیرونی و درونی صورت می‌گیرد. اما واقعیت این است که این نوع اندیشیدن هنوز شمولیت و تسری تام نیافته است تا جایی که یک روز یک نفر ملت ما را نالایق می‌داند و توصیه می‌کند که حداکثر لولهنگ (آفتابه آن‌هم از نوع گلی‌اش) بسازیم و دیگر روز فلان مشاور دولتی، ایرانی را در حد آشپز بزباش تنزل می‌دهد. این عدم تسری گفتمان را دست‌کم می‌توان تحت تأثیر عوامل ذیل دانست:

- ۱) خودکم‌تربینی و شیفتگی در برابر غرب خصوصاً در بین بسیاری از روشنفکران و تصور نادرست از غرب در بین ایشان.
- ۲) زمین‌گیر شدن ناشی از ترس (استسباع) برخی مدیران و رهبران جامعه در

اگرچه تاکنون درباره شکست‌ها و پیروزی‌های ملی، عناصر و ابعاد و مؤلفه‌های فراوانی ذکر شده است اما از تجربه خودی و حتی بیگانگان، طی سال‌های گذشته چنین برمی‌آید که اولاً موفقیت در دسترس و دست‌یافتنی است و ناامیدی بی‌معناست و ثانیاً برای موفقیت ملی همه می‌توانند و باید نقش ایفا کنند و متوقف ماندن به امید آغاز حرکت از طرف دیگران، برآیندی جز توقف همگان به دنبال ندارد.

برابر متاع خارجی (اعم از علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی).

۳) راحت‌طلبی بخش‌هایی از مردم، ناشی از نظام تربیتی مسئولیت‌گریز، خام‌خوار، خوش‌گذران و تقدیرگرا.

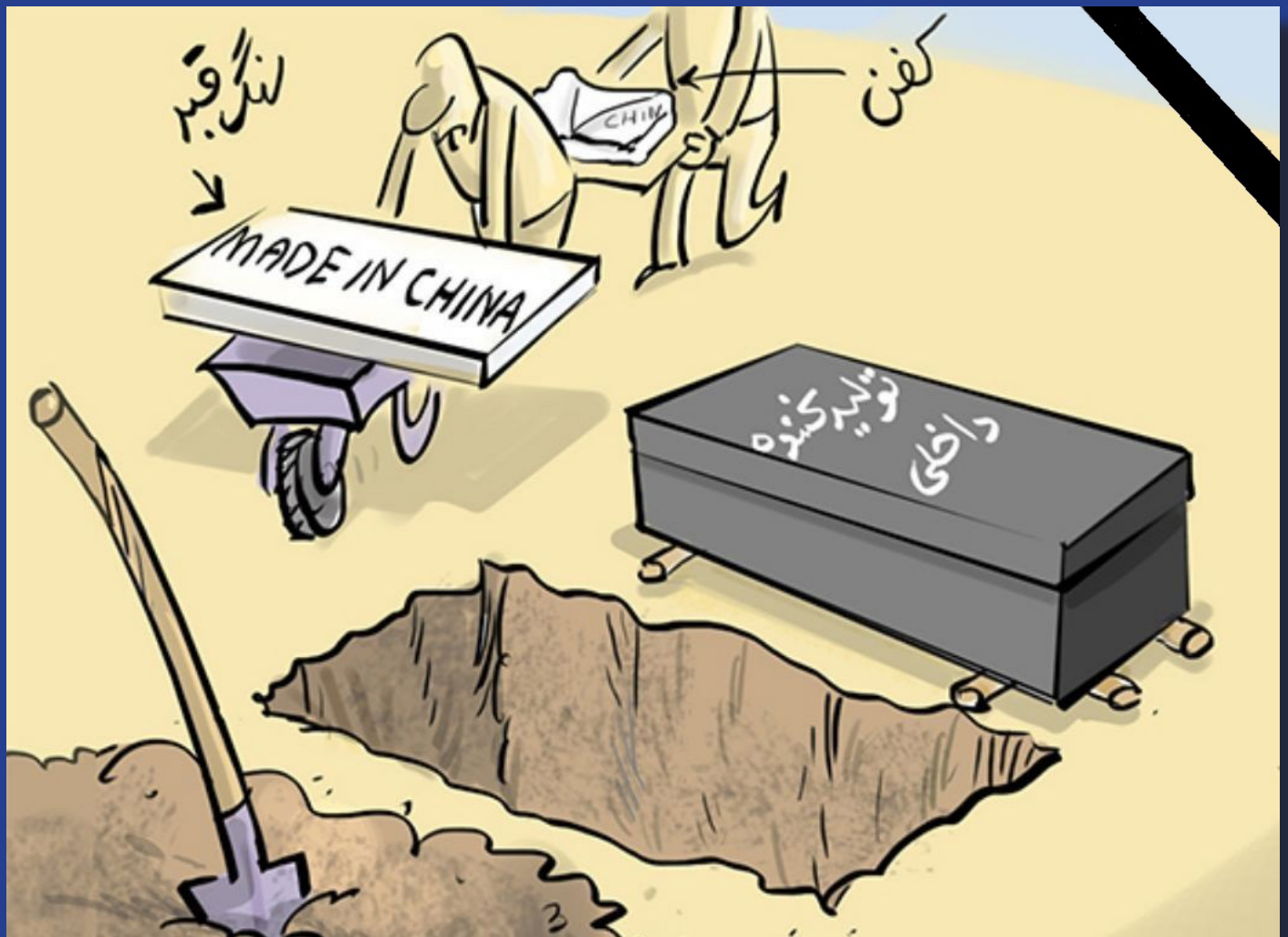
به‌طور تاریخی ما در برخی عرصه‌ها توفیقات فراوانی داشته‌ایم و در برخی عرصه‌ها نیز نتوانستیم آن‌گونه که باید و شاید موفق باشیم. واقعیت این است که اگر بخواهیم بگوییم ما همواره موفق بوده‌ایم یا همواره ناموفق، جوامع دقیق نبوده است. البته جواب من هم که در برخی موارد موفق و در برخی موارد ناموفق

هم باید بدانند که اگر مواد اولیه باکیفیت تولید نکند عملاً تولیدمان از کیفیت قابل رقابت برخوردار نیست. اگر مسئول خریدمان هنگام خرید مواد اولیه مراقب کیفیت نباشد، عملاً زحمات بقیه عوامل تولید بر روی موادی است که ذاتاً بی‌کیفیت است. اگر کارگر خط تولید بر رعایت کیفیت در تولید تمرکز نداشته باشد، اگر مدیر بخش تولید مراقب کیفیت نباشد، اگر ناظر کیفی ضعف‌ها را زیرسبیلی رد کند و... آن‌وقت باید خریدارمان سراغ کالای باکیفیت خارجی برود. آن‌وقت باید فروشنده‌مان همیشه احساس شرم کند که بیشتر از آن‌که تبلیغ‌کننده دست‌رنج هم‌وطنش باشد، ویزیتور جنس خارجی است! آن‌وقت بعدها فرزندانمان به ما به‌عنوان پدران و مادرانی بی‌لیاقت که نمی‌توانند حتی یک قیچی باکیفیت تولید کنند، نگاه می‌کنند.

ژاپنی‌ها بیشتر از این برای ما توضیح ندادند که چرا برخلاف رویکرد رایج غربی که مدیریت از بالا به پایین را در کارخانه‌ها حاکم کرده بود و با تقسیم‌کار، مسئولیت نظارت بر کیفیت را به یک واحد در زنجیره تولید واگذار کرده بود، بر نقش همه افراد دخیل در تضمین کیفیت تأکید کردند. اما فکر می‌کنم باید این تکنیک مدیریت بدیع را بر اساس فرهنگ خودشان که ترکیبی از کار جمعی و شرم است بنا نهاده، تفسیر و توجیه کرد. ژاپنی‌ها سال‌هاست تصمیم گرفته‌اند که همه‌شان مشارکت کنند و کاری نکنند که برای همدیگر خجالت بیافرینند؛ همه ملتزم شدند به تولید باکیفیت.

آیا ما می‌توانیم؟

سال‌هاست در کشور ما موضوع پیشرفت - با همه تنوع دیدگاهی که نسبت به آن وجود دارد - به یک گفتمان تعریف شده است. این گفتمان البته تحت تأثیر نگاه‌های عمیق‌تری است که در شعار استقلال سیاسی و خودکفایی اقتصادی مردم ایران تبلور یافته است. به‌نحوی که در بخش‌هایی از توده مردم چنین روحیه‌ای به وجود آمده است که ما به‌جای اینکه صرفاً مصرف‌کننده باشیم می‌توانیم لاقط در عرصه‌های جدی اقتصادی و فرهنگی و سیاسی تولیدکننده باشیم و به‌جای اتکا به آنچه از خارج برای ما درست می‌کنند خود می‌توانیم تولیدکننده آن باشیم. چنین است که شعار عده‌ای از امت پرتلاش و کم‌توقع ما



این طرف استکان یونانی
 گاز و یخچال بهترینش چیست؟
 برده از رو تمام قزوین را
 معنوی کرده حالت ما را
 در خود چین هم احتمالاً نیست
 هرچه دستت رسید وارد کن
 فکر چیزی نباش غیر از سود
 در همین حال و روز وانفسا
 می رود رو به سمت ویرانی
 هر که تولید می شود هنرش
 که بریزد تمام کرک و پرش
 چوب قاجاق از قضا و قفا
 بعد هم هرچه دست و پا بزند
 می زند توی کار دلالی
 بعد سی سال، شخص صنعتگر
 جنس تولید داخلی اوخ است
 دولت وقت هم که فی الجمله
 می رود رو به سمت ویرانی
 این جوان زور قابلی بزند
 یا برای گرفتن یک وام
 می تواند نهایتاً در شهر
 یا اگر بیشتر هنر بکند
 یا که دائم بی مسافرها
 البته راه بهترش این است
 و سپس بین دود یک قلبان
 وای اگر جنس خارجی روی
 می رود رو به سمت ویرانی

آن طرف قاشق لهستانی
 آلمانی و انگلستانی
 سنگپاهای ازبکستانی
 مهر و تسبیح ارمنستانی
 جنس چینی به این فراوانی
 شده از کشور موریتانی
 سود دارد کلاه سودانی
 می نویسم چنان که می دانی
 روزگار جوان ایرانی
 آن چنان می زند توی سرش
 و در آید زشش جهت پدرش
 می خورد چون چماق بر کمرش
 در نیاید حقوق کارگرش
 تا که محسوس تر شود اثرش
 دُم ندارد هنوز کمره خورش
 هموطن جان نگر دور و برش
 ریشه اش را زده است با تبرش
 روزگار جوان ایرانی
 یا به دریا اگر دلی بزند
 رو به هر کور و کاملی بزند
 یک دکان فلاغلی بزند
 یک فلان شاپ فسقلی بزند
 برود دور باطلی بزند
 که به موهای خود زلی بزند
 دل خود را به غافللی بزند
 دست تولید داخلی بزند
 روزگار جوان ایرانی